

هنر پیر شدن

؟. ڈی. شوپنہاور

ترجمہ: عبد اللہ

www.ketab.ir



نشر مرکز

Die Kunst, alt zu werden

Arthur Schopenhauer

هنر پیر شدن

آرتور شوپنهاور

گردآورنده: فرانکو وولپی و ارنست سیگلر

ترجمه از زبان آلمانی: علی عبداللهی

ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز

حروف چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشرمرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ۱۳۹۹، شماره‌ی نشر ۱۳۶۷، ۱۶۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۴۸۹-۲

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره ۸

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

وبسایت: www.nashr-e-markaz.com

شبکه‌های اجتماعی: [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشرمرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، کتاب الکترونیکی (e-book)،

کتاب صوتی (Audio book) و ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و

کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

● سرشناسه شوپنهاور، آرتور، ۱۷۸۸-۱۸۶۰ م. Schopenhauer, Arthur ● عنوان و نام پدیدآور هنر پیر شدن / آرتور

شوپنهاور، گردآوری فرانکو وولپی و ارنست سیگلر؛ ترجمه‌ی علی عبداللهی. ● مشخصات ظاهری ۱۶۰ ص.

● یادداشت عنوان اصلی: Die Kunst, alt zu werden ● موضوع شوپنهاور، آرتور، ۱۷۸۸-۱۸۶۰ م. ● کلمات فصاره

فیلسوفان آلمانی - قرن ۱۹ ● شناسه‌ی افزوده عبداللهی، علی، ۱۳۴۷ - مترجم ● رده‌بندی کنگره B۳۱۴۷

● رده‌بندی دیویی ۱۹۳ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۷۴۲۱۹۴

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۵	وقتی نیل به قاهره می‌رسد
۳۵	شکل‌گیری متن حاضر و منابع

هنر پیر شدن

۳۷	نام این کتاب زنیلیا است
۱۵۰	برخی آثار شوپنهاور که به فارسی ترجمه شده‌اند

یادداشت مترجم

هنر پیر شد هفتاد و هفتین ساله از مجموعه هنرهای شوپنهاور، فیلسوف شهیر آلمانی، در بردارنده‌ی واپسین برشدهای، مشقت سال آخر زندگی فکری-فلسفی اوست در موضوعات مختلف. او در این کتاب، در خلال ۳۱۹ پاره‌نوشته‌ی گاه بلند و اغلب کوتاه، به مرور در سال‌ها اندیشه‌ی خود می‌پردازد و بر خلاف معمول بسیاری از دیگر متفکران، در ایستگاه آخر زندگی، بر مسائل هایی که به قول معروف نیل عمر او به قاهره رسیده و در شرف وصول به دیه است، باز هم می‌کوشد باریک‌بینی‌های پیشین در آثار دیگرش را تبیین و تشریح کند، بسی ناگفته‌ها را بازگوید و از این رهگذر خود را از سکون پیری برهاند. شوپنهاور در یک سربا نقب زدن دوباره در نگاه واقعی خود به زندگی و نگرش فلسفی واقع‌گرا و عریان و کاربردی خود، و از سوی دیگر با گریز به آثار نظری پیشین خود و دیگران در بار پیری و مرگ و کیفیت زندگی در این برهه، سال‌های قاعدتاً ملال‌آور پیری را بدآ به دل‌های شیرین سالخورده‌گی می‌سازد. فیلسوف آلمانی در این کتاب مثل سایر زیست‌شناسی خود، همچنان عریان و مغرور و ساده و پرمغز می‌نویسد، و به هیچ‌وجه، در تسلیم و انهادن به اقتضات سنی، نه بو تیمار غم‌خواری نشسته بر ساحل اندوه است و نه مردم‌گریز تائب عصبی و چشم‌به‌راه سرودن غزل خداحافظی، بلکه فرزانه‌ای است پیر و خشنود و چابک‌اندیشه که می‌کوشد با رویکرد عملی و متفکرانه به مفهوم کهن پیرسالی یا سالخورده‌گی، تا حد ممکن از آن به عنوان دورانی شیرین و پرثمر

درخور و نسبتاً کامل از زندگی خواهد داشت. در دستگاه فکری شوپنهاور، چه در آثار پیشین و چه در اینجا، مشخصاً «قشنگ پیر شدن» اهمیت دارد نه به زاری پیر شدن و پیری را در زاری گذراندن. زیرا آن گاه است که می توان ادعا کرد همه چیز داشته ایم و کماکان داریم. ولی از دیدگاه دیگر، این سفارش ها به معنای گریز به تخیلات متافیزیکی یا صرفاً در پیش گرفتن رویکردهای عرفانی، صوفیانه، راهب وار و وارسته ماب خشک در حکم افیون روح، از نوع نسخه ی فرانچسکو یا بودا با عارفان مذاهب گوناگون نیست (با آن که بارها در کتابش از آنها تحلیل کرده) بلکه همچون ترغیب گر نگاهی منتقد و فعال و تیزبین است که از تعریف عینی و واقع او از گذرایی عمر سرچشمه می گیرد.

سال های سویتن این یادداشت ها سال های برآمدن آفتاب شهرت و آوازه ی فیلسوف م هت. شاید بشود آن را سال های سرمستی بابت آغاز شهری عالم گیر نیز دانست. می گوییم نیست که خودش در همین دفتر می نویسد، «به کوری چشم تمام انسان ها، استادان فلسفه، اثرم به چاپ سوم رسیده است...» «پایداری منفعلانه سپری شده، اثری بی سال سکوت و پنهان کاری به آخر رسیده، اکنون دیگر قدرت های ظلمت کاسان را کردند و همه چیز بهبود یافته است.» استادان بی روح فلسفه... در این سال ها سکوت بازیگران بعدی، با هزار جور توش و تقلا ی علیل شان بر صحنه، بسی جلوه گری ها کردند... تا با نوشته هاشان او را از سپهر فکری خود به زیر کشند، ولی هر چه با حواسته و به طرز ناباورانه ای به گسترش شهرت آثارش خدمت کردند و در سال های بعدی، فیلسوف را به یاد هجوم سرکرده ی لی لی پوت ها در سفرهای گالیور اثر جان اتان سوئیفت، می انداختند عملاً مشهورترش کردند و نگاه ها را به او برانداند. خودش در فرازی از همین کتاب انتشار چاپ سوم اثرش را نشانه ی بهبودگی فلسفه مضحک استادان فلسفه (دانشگاهی) در مسکوت گذاشتن اندیشه هایش می داند و باز نیک می داند و تأکید می ورزد که آموزه هایش دیگر مسیری را گشوده و، مسلح به نیروی حقیقت، بی وقفه و خستگی ناپذیر پیش خواهد رفت و از فراز سرزمین ها و سده ها

۱. این کتاب در سال های متفاوت با عناوین متفاوت توسط ناشران مختلف چاپ و منتشر شده است: سفرنامه ی گالیور، ترجمه ی منوچهر امیری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ م.

یادداشت مترجم ۱۳

گیومه گذاشتم. به جز پانوشته‌های ارجاع به منابع، بقیه‌ی پانوشته‌ها توضیحات یا تأکیدی هستند که به قلم مترجم نوشته شده‌اند. امیدوارم شوپنهاوردوستان این دفتر را نیز پسندند.

بهار ۱۳۹۹ / ۲۰۲۰

برلین

www.ketab.ir